



فهم صحیح از نهج البلاغه منوط به آشنایی با احادیث حضرت علی(ع) است

عضو هیئت علمی دانشکده علوم حدیث با بیان این که برای استنباط صحیح از نهج البلاغه لازم است محقق با حدیث امام علی(ع) و سیره ایشان آشنا باشد، اظهار کرد: برای شناخت خانواده حدیث ابتدا لازم است ...

عضو هیئت علمی دانشکده علوم حدیث با بیان این که برای استنباط صحیح از نهج البلاغه لازم است محقق با حدیث امام علی(ع) و سیره ایشان آشنا باشد، اظهار کرد: برای شناخت خانواده حدیث ابتدا لازم است که قواعد فهم حدیث را درست بشناسیم که اولین قاعده در فهم حدیث، شناخت صحیح واژگانی است که در حدیث به کار رفته است.

مصطفی دلشاد تهرانی، نگارنده پژوهش برتر سال 1390 با عنوان «171؛ دلالت دولت؛ آئین نامه حکومت و مدیریت در عهدنامه مالک اشتر»؛ و نویسنده چهارده اثر تربیتی، دینی و حکومتی از منظر نهج البلاغه، در گفت و گو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا) با بیان این که نهج البلاغه از يك سبك و سیاق منسجم و اصولی در ظاهر تبعیت نمی کند، اظهار کرد: البته این مطلب تنها در ظاهر بحث این گونه است، اما برای محققى که به نهج البلاغه دائماً رجوع می کند، این کتاب شریف در نهایت اتقان و انسجام است.

این محقق و پژوهشگر با تأکید بر این که سیدرضی در جمع آوری نهج البلاغه به روش گزینشی عمل کرده است، خاطرنشان کرد: سبك سیدرضی در گردآوری نهج البلاغه دو خصوصیت دارد؛ اول این که به گزینش و انتخاب سخنان امام علی(ع) پرداخته است و هر آنچه از امام(ع) وارد شده را در کتاب خود نیاورده است.

این مدرس حوزه و دانشگاه ادامه داد: حتی گاه در نهج البلاغه این اتفاق را مشاهده می کنیم که سیدرضی مطلبی را از چند سخن مختلف برگرفته، این مطالب را تقطیع کرده و کنار هم گذارده و شخصی که با روایت آشنایی نداشته باشد ممکن است تصور کند که این مطالب برگرفته شده از سخنان مختلف، يك خطبه متصل به هم است که حضرت(ع) در يك زمان ایراد فرموده اند.

وی با اشاره به دومین شاخصه شریف رضی در انتخاب بیانات حضرت علی(ع) در نهج البلاغه عنوان کرد: سیدرضی در تألیف و جمع آوری نهج البلاغه در صدد بوده تا بلیغ ترین سخنان حضرت را جمع کند، اما این که شاید برخی تصور کنند که نهج البلاغه نظام و چهارچوب مشخص ندارد، نظر صحیحی نیست.

دلشاد تهرانی با بیان این که شریف رضی تصادفی سخنان حضرت(ع) را در کنار هم قرار نداده است، تصریح کرد: سعی سیدرضی بر این بوده که با الهام از قرآن نظمی به نهج البلاغه ببخشد و مسلماً در انتخاب خطبه اول و دوم تا خطبه 241 دلایلی را برای خود در نظر گرفته است. همچنین کار وی در چینش نامه اول تا هفتاد و نهم نیز از دلیل خاصی تبعیت می کند.

این محقق و پژوهشگر با تأکید بر این که با تمام این دلایل نمی توان نهج البلاغه را با قرآن مقایسه کرد، اظهار کرد: قرآن يك کتاب الهی است که در جمع و تنظیم آن بشر هیچ گونه نقشی نداشته، اما نهج البلاغه کتابی است که توسط یکی از افراد بشر جمع و تدوین شده و می تواند نقل به معنی از سخن معصوم(ع) داشته باشد یا حتی شریف رضی یا راویان در بیان سخن حضرت علی(ع) اشتباه کرده باشند.

نگارنده اثر برگزیده چهارمین جشنواره «171؛ کتاب دین و پژوهش های برتر»؛ با بیان این که آنچه از ظاهر کتاب شریف نهج البلاغه به دست می آید، این است که این کتاب از اشتباهات کمی برخوردار است، خاطرنشان کرد: آنچه مهم است و باید مدنظر قرار گیرد، این است که این کتاب در يك نگاه کلی و جامع از نظم خاصی پیروی می کند و گزیده گویی است، به همین جهت قاری نهج البلاغه باید خانواده حدیث امام علی(ع) را بشناسد.

این مدرس حوزه و دانشگاه تأکید کرد: برای استنباط صحیح از نهج البلاغه محقق لازم است که با نوع و شیوه حدیث و کلام امام علی(ع) و سیره و تاریخ حیات ایشان کاملاً آشنایی داشته باشد. اگر این اتفاق محقق شود، آنگاه خواهیم دید که نهج البلاغه از قابلیت شگرفی برای راهگشایی برخوردار است.

این محقق و پژوهشگر افزود: مطالب نهج البلاغه به گونه‌ای است که انسان هنگام مطالعه احساس می‌کند که گویی حضرت علی(ع) برای این زمان سخن گفته‌اند و به مشکلات امروزه جامعه ما واقف بوده‌اند و راه حل برای آن ارائه می‌دهند که متأسفانه این مطلب مورد غفلت قرار گرفته است.

دلشاد تهرانی ادامه داد: برای شناخت خانواده حدیث ابتدا لازم است که قواعد فهم حدیث را درست بشناسیم. اولین قاعده در فهم حدیث، شناخت صحیح واژگانی است که در حدیث به کار رفته است. به عنوان مثال اگر بخواهیم آنچه در حقیقت مدنظر حضرت(ع) از جمله «مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ النِّسَاءَ تَوَاقِصُ الْإِيمَانَ، تَوَاقِصُ الْخَطْوَ، تَوَاقِصُ الْعُقُولُ« است را بفهمیم، ابتدا باید واژه «عقل« را با توجه به دیگر احادیث وارده از آن حضرت(ع) تبیین معنایی کنیم.

وی با بیان این‌که در کلام دیگر از امام(ع) اشاره شده که «العقل عقلان؛ عقل الطبع و عقل التجربة و كلاهما يؤدي الى المنفعة«؛ خاطرنشان کرد: عقل طبع همان عقل ذاتی است که خداوند به انسان عطا کرده تا خوب و بد را به وسیله آن عقل تشخیص دهد و عقل تجربی عقلی است که انسان در کسب و کار و حضور در اجتماع و برخورد با مردم کسب می‌کند که هر دو این عقول انسان را به منفعت می‌رسانند.

این مدرس حوزه و دانشگاه با بیان این‌که به عقل طبع که ذاتی بشر است، عقل ممیز گفته می‌شود، عنوان کرد: انسان به وسیله این عقل است که کلیات و خوب و بد را تشخیص می‌دهد و به واسطه همین عقل است که تکلیف بر انسان بار می‌شود. حال اگر منظور از نقص عقل در زنان، عقل طبع باشد، تکلیف از او برداشته می‌شود و نمی‌تواند خوب و بد را تشخیص دهد. در این شرایط مؤاخذه از زن بی‌معنا می‌شود و بهشت و جهنم در مورد او صدق نمی‌کند. بنابر این تعبیر از عقل در این روایت نمی‌تواند عقل ذاتی باشد.

عضو هیئت علمی دانشکده علوم حدیث با اشاره به این‌که حضرت علی(ع) در دوره‌ای این سخن را بیان فرموده‌اند که زنان حضور در اجتماع نداشتند، اظهار کرد: عدم حضور زنان در اجتماع باعث شده بود که عقل تجربی ایشان رشد نداشته باشد، حتی شاهد مثالی که حضرت(ع) در ادامه این کلام ذکر می‌کنند نیز مشخص می‌کند که آنچه مدنظر مولای متقیان(ع) بوده همان عقل تجربی است نه عقل ممیز.

نگارنده اثر برگزیده چهارمین جشنواره «کتاب دین و پژوهش‌های برتر« با بیان این‌که در این صورت است که منظور سخن حضرت علی(ع) به درستی فهم می‌شود، گفت: البته باید توجه کرد که در ادامه این روایت سخنی بیان شده که به احتمال زیاد این کلام از حضرت(ع) نیست و سخن خود سیدرضی است، زیرا منابع موجود قبل از سیدرضی هیچ‌کدام به این سخن اشاره نکرده‌اند.